روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰- فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۰۱۳ | شنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳ | ۱۸ شوال ۱۴۴۵ | اذان ظهر: ۱۲:۰۲ |
غروب آفتاب: ۱۸:۴۸ | اذان مغرب: ۱۹:۰۷ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۱۶ | اذان صبح فردا: ۰۳:۴۳ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۱۵ |

دیده‌بان

«هامون» داریوش مهرجویی به تئاتر می‌آید

نمایشنامه‌خوانی «هامون» به کارگردانی نیما ذاکر، امروز (شنبه) در بوتیک تئاتر شهرزاد اجرا می‌شود.

کوروش ساسانیان مشاور هنری و یکی از نقش‌خوانان نمایشنامه‌خوانی «هامون»، درباره این اجرا گفت: نمایشنامه «هامون» نوشته مسلم آیینی برداشتی آزاد از فیلم «هامون» اثر مرحوم داریوش مهرجویی است. این نمایشنامه در زمان حیات زنده‌یاد مهرجویی نوشته شد و با تأیید ایشان به چاپ رسید. سال گذشته که آن اتفاق ناگوار برای زنده‌یاد مهرجویی و همسرش رخ داد، از آنجایی که ما و هم‌نسلان ما ارادت خاصی به این کارگردان فقید سینمای ایران و همچنین فیلم «هامون» داریم، تصمیم گرفتیم به نوعی یاد این استاد را زنده نگه داریم.

وی درباره تفاوت‌های نمایشنامه «هامون» نسبت به فیلمنامه مطرح زنده‌یاد داریوش مهرجویی توضیح داد: در نمایشنامه «هامون» چارچوب‌های فیلمنامه رعایت شده‌است، فقط برخی شخصیت‌ها حذف و تعدادی شخصیت به اثر اضافه شده‌است. تلاش داریم که در نمایشنامه‌خوانی «هامون» تفکر فیلم را به مخاطب منتقل کنیم.

وی درباره چالش‌برانگیز بودن نمایشنامه‌خوانی یا اجرای اثری برگرفته از فیلم «هامون» تصریح کرد: قبل از اینکه بخواهیم تمرین‌ها را شروع کنیم، این موضوع که اثر ما با فیلم درخشان «هامون» مقایسه خواهد شد، بسیار چالش‌برانگیز بود، زیرا به محض اجرای این نمایشنامه‌خوانی، مقایسه اتفاق می‌افتد. ما تلاش کردیم فضایی مستقل را ایجاد کنیم تا مخاطب بداند گروهی به صورت مستقل و به یاد استاد مهرجویی و فیلم «هامون» اثری را اجرا می‌کند، ولی هیچ ادعایی نداریم.

نمایشنامه‌خوانی «هامون» امروز (شنبه ۸ اردیبهشت) ساعت ۲۰:۱۵، در سالن شماره ۴ بوتیک تئاتر شهرزاد اجرا می‌شود.

نکوداشت اکبر زنجانپور در نوزدهمین «شب کارگردان»

آیین نکوداشت اکبر زنجانپور، بازیگر و کارگردان با سابقه سینما، تئاتر و تلویزیون در نوزدهمین «شب کارگردان» خانه تئاتر برگزار می‌شود.

به گزارش «جوان» از روابط عمومی انجمن صنفی کارگردانان تئاتر ایران، در نوزدهمین دوره «شب کارگردان» آیین نکوداشت اکبر زنجانپور فردا یک‌شنبه ۹ اردیبهشت برگزار می‌شود. در این مراسم که به همت انجمن کارگردانان طبق رسم سال‌های گذشته و در تاریخ ۹ اردیبهشت مصادف با تولد حمید سمندریان، کارگردان فقید تئاتر ایران برپا می‌شود، مدالیوم این انجمن صنفی به پاس سال‌ها تلاش و استمرار در حوزه کارگردانی تئاتر به اکبر زنجانپور اهدا می‌شود. همچنین در این مراسم از چند چهره تئاتری دیگر نیز تجلیل و تندیس انجمن صنفی کارگردانان تئاتر ایران به آنها اهدا می‌شود. این مراسم در سالن شهناز خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود و ورود برای علاقه‌مندان آزاد است.

رمان «برفراز کشتزار» در بازار نشر

کتاب «برفراز کشتزار» نوشته علی اکبر والایی از سوی نشر معارف منتشر و راهی بازار نشر شد.

کتاب «برفراز کشتزار» نوشته علی اکبر والایی به تازگی توسط نشر معارف منتشر و روانه بازار نشر شده‌است. این کتاب، رمانی تربیتی و اجتماعی است که به موضوع آخرت و جهان برزخ پرداخته‌است. کتاب «بر فراز کشتزار»، به حدیث معروف «الدنیا مزرعه الاخره»، «دنیا مزرعه آخرت است» و اینکه انسان نتایج تمام اعمال خود را در دنیا در جهان آخرت مشاهده خواهد کرد، نظر دارد. واژه «بر فراز» از عنوان کتاب، اشاره به جدا شدن روح از کالبد انسان پس از مرگ دارد و در فراسوی زمین، مرحله فراخودآگاهی است. بر فراز کشتزار، بیانگر این مهم است که انسان بیهوده به دنیا نیامده و خداوند آفریدگار برای هدفی او را آفریده است. جهان برزخ آیینه تمام‌نمای اعمال و رفتار آدم‌ها در زندگی دنیایی گذشته است. این اثر با جاانداختن فلسفه زندگی و نماز (عبادت خدا) برای نوجوانان، روشنگر است و در مقابله کامل با تفکر پوچ انگاری دنیای مدرن کنونی است. این کتاب با ۱۵۲ صفحه، شمارگان هزار نسخه و قیمت ۹۹ هزار تومان عرضه شده‌است.

حکمت

امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام:

هیچ شرافتی فراتر از ادب نیست.

الکافی، ج۸، ص۱۹، ح۴

«جوان» به بهانه شروع مجدد برنامه سینمایی «هفت» بررسی می‌کند

«هفت» بی‌فراستی در آستانه ۱۴ سالگی

■ **مصطفی شاه کرمی**

اواسط دی‌ماه سال گذشته، مدیر شبکه نمایش از پخش سری جدید برنامه «هفت» با اجرای بهروز افخمی در دو فاز پیش از برگزاری جشنواره فیلم فجر و همچنین بهار ۱۴۰۳ خبر داد. منتها همانطور که غلامرضایی گفته، قرار است در برنامه هفت بر همان پاشنه سابق بچرخد؛ برنامه‌ای ضبطی که از جذابیت‌های یک برنامه زنده به دور خواهد بود، به ویژه اینکه پس از نزدیک به ۱۵ سال غایب بزرگ این برنامه سینمایی، مسعود فراستی خواهد بود.

روز سیزدهم دی‌ماه سال گذشته و تقریباً یک‌ماه مانده به جشنواره فیلم فجر که از آن با تعبیر سال نو سینمای ایران یاد می‌شود، محمدعلی غلامرضایی، مدیر شبکه نمایش از پخش دوباره برنامه «هفت» خبر داد و گفت: «پخش سری جدید برنامه هفت به تهیه‌کنندگی محمدحسین تنکابنی و با اجرای بهروز افخمی در دو فاز آغاز خواهد شد. در فاز نخست، این برنامه پیش از برگزاری جشنواره فیلم فجر به صورت هفتگی جمعه‌ها ساعت ۲۳ روی آنتن شبکه نمایش می‌رود. در ایام جشنواره نیز، برنامه هفت با ویژه برنامه‌ای که ترتیب داده‌است، هر شب از شبکه نمایش سیما و از محل برگزاری جشنواره به صورت زنده روی آنتن می‌رود و پس از آن نیز تا پایان سال به صورت هفتگی ادامه خواهد داشت. در فاز دوم نیز، پخش این برنامه از بهار ۱۴۰۳، با دکور جدید و تغییراتی در فرم برنامه آغاز می‌شود. برنامه هفت از سه بخش اصلی پرونده ویژه، میز نقد سینمای ایران و میز نقد سینمای جهان تشکیل می‌شود که هر بخش طراحی ویژه‌ای دارد. در هر قسمت موضوعات سینمایی روز با حضور میهمانان و کارشناسان مربوط به آن مطرح و تلاش می‌شود که آسیب‌شناسی شود. در این بخش، موضوعات مرتبط با سیاست‌گذاری‌های سینمای ایران به صورت ویژه مطرح خواهد شد.»

■ **قهرمان زنده!**

دهم اردیبهشت سال ۱۳۸۹، نخستین قسمت از برنامه سینمایی «هفت» روی آنتن شبکه ۳ صداوسیما رفت و با همه انتقاداتی که به فریدون جیرانی در اجرای فصل نخست آن وارد بود، توانست اوج بگیرد، اتفاقی که بعدها به خاطره تبدیل شد. خبر بازگشت مجدد تنها برنامه نقد سینمایی تلویزیون در آستانه ۱۴ سالگی، می‌توانست برای دلسوزان سینما و علاقه‌مندان به هنر هفتم خبری مسرت‌بخش و امیدوارکننده باشد، اما وقتی مختصات و گردانندگان آن از سوی مسئولان تلویزیون اعلام شد، تقریباً از همین ابتدا نتیجه کار آشکار است؛ برنامه‌ای که انتظار می‌رود سینما را نمایندگی کند و محلی برای تضارب آرای منتقدان و فیلمسازان باشد، اما اینکه چقدر می‌توان به این روند امیدوار بود، جای بررسی دارد. چه اینکه تیم گرداننده آن، همان افرادی هستند که چند سال است با تغییراتی جزئی آن را روی آنتن می‌برند. تنها با یک تغییر و آن هم در دکور برنامه. ممکن است اشاره به غیبت منتقدان سینما مثل مسعود فراستی در دوره‌های اخیر این برنامه که عمدتاً با محوریت بهروز افخمی روی آنتن رفته، شائبه طرفداری از این منتقد سرشناس یا نان قرض دادن را ایجاد کند، ولی واقعیت این است که فراستی با همه انتقاداتی که به نقدها و صحبت‌هایش وجود دارد، از مسلط‌ترین منتقدان سینمایی حال حاضر است. گواه این مدعا، اعتراف منتقدان و مخالفان فراستی است که وقتی پای سواد سینمایی وسط می‌آید، همه آنها بر وجه علمی و آگاهی او اعتراف می‌کنند. نکته دیگری که می‌توان برای شاهد مثال در این زمینه ذکر کرد، دوره‌هایی است که فراستی به عنوان منتقد در برنامه «هفت» حضور داشت؛ اغلب مخاطبان و طرفداران این برنامه معتقدند که اظهارات فنی و سینمایی این منتقد سرشناس کشورمان همواره یکی از پایه‌های وایرال شدن مباحث و بخش‌هایی از برنامه هفت بود. به کلام بهتر، وقتی عناصر جذابیت یک برنامه تلویزیونی از آن حذف می‌شوند یا به اصطلاح زهر آنها گرفته می‌شود نباید توقع داشته‌باشیم که آن برنامه بتواند اثرگذاری قابل‌اعتنایی داشته‌باشد.

اگر بخواهیم نگاهی منصفانه داشته‌باشیم، باید به این نکته هم اشاره کنیم که حضور بهروز افخمی در برنامه هفت یک امتیاز محسوب می‌شود، چه اینکه روی مسائل سینما و مباحث فنی آن تسلط خوبی دارد

■ **افخمی، تسهیل‌گر یا سرعت‌گیر**

اگر بخواهیم عوامل دخیل در برنامه هفت را بررسی کنیم، نباید از حضور بهروز افخمی به عنوان مجری و سکاندار این برنامه به سادگی عبور کنیم؛ چه اینکه سابقه حضور بهروز افخمی در این برنامه همزمان با ضبطی و تولیدی‌شدن آن است. البته نمی‌توانیم این مسئله را از سر اتفاق تعبیر کنیم، چون طی حضور افخمی در این برنامه به غیر از مدت زمانی کوتاه، بقیه ادوار آن روال روی آنتن رفتن برنامه هفت بر مدار ضبطی و تولیدی‌بودن قرار داشته‌است.

با این حال، اگر بخواهیم نگاهی منصفانه داشته‌باشیم، باید به این نکته هم اشاره کنیم که حضور بهروز افخمی در برنامه هفت یک امتیاز محسوب می‌شود، چه اینکه افخمی هم مانند خلف اسبقش یعنی فریدون جیرانی روی مسائل سینما و مباحث فنی و تاریخی آن تسلط خوبی دارد که این مسئله بارها و بارها به حرکت درست برنامه هفت روی یک مسیر حرفه‌ای اثرگذار بوده‌است.

عدم پخش زنده برنامه هفت در ادوار اخیر، همواره یکی از ارکان مهم عدم جذابیت و رغبت نکردن مخاطبان و سینماگران برای پیگیری آن بوده، چراکه تجربه موفق چالش‌های منتقدان در مورد برخی آثار سینمایی هنوز هم جزو بخش‌هایی از این برنامه است که در خاطر اغلب مخاطبان آن ماندگار شده‌اند.

حضور برخی کارشناسان و منتقدان بلااثر که یا میلی برای چالش در مورد آثار سینمایی ندارند یا اینکه ترمز آنها توسط مسئولان برنامه یا شبکه کشیده‌شده، ضربات زیادی به تنها برنامه سینمایی تلویزیون زده‌است. یکی دیگر از اتفاقاتی که این برنامه را به حاشیه برده، قهر و آشتی‌های گردانندگان آن با مسئولان شبکه‌های تلویزیونی است. مثل اتفاقی که چند سال پیش افتاد و بهروز افخمی بعد از کنار رفتن از اجرای این برنامه به یکی دیگر از شبکه‌های سیما رفت و تلاش کرد با راه انداختن برنامه نقد سینما مشابه برنامه هفت آلترناتیوی برای آن بتراشد، اتفاقی که هرگز به موفقیت ختم نشد.

بازگشت مجدد برنامه هفت روی آنتن تلویزیون به خودی خود یک اقدام مثبت است، اما وقتی اسامی مجری، کارشناسان و منتقدانش را می‌بینیم، لاجرم به یاد مقطعی از گذشته خنثی و نارسای این برنامه می‌افتیم. مسئولان تلویزیون و برنامه هفت حتماً می‌دانند که با باری به هر جهت برگزار کردن یک برنامه و صرفاً پرکردن آنتن یا لیست فعالیت‌های مدیر شبکه، هیچ خیری به سینمای کشور نمی‌رسد و اگر واقعاً مایل به ایجاد تحول یا تغییری در مسیر سینمای ایران هستند، باید از حیطه محافظه‌کار بودن خارج شوند و اگر به تیم این برنامه اعتماد دارند، بهتر است که آن را روی آنتن زنده بفرستند تا شاید مجدداً بتوانند مخاطبان و علاقه‌مندان سینما را تا ساعاتی بعد از نیمه شب پای آن بنشانند.

نما | حسین کشتکار

شعر

تضمین شعری شاعران در استقبال از غزل رهبر معظم انقلاب

ز ناخدا مهراس و ز بی‌خدا مگریز

در آستانه عملیات «وعده صادق» علیه رژیم صهیونیستی، رهبر انقلاب در یکی از جلسات مرتبط، یک بیت شعر از غزلی که چند سال پیش با تلمیح از آیات قرآن مجید درباره رویارویی حضرت موسی علیه‌السلام با فرعون و ساحران فرعونی سروده بودند، برای این عملیات خواند که در پی انتشار این سروده، علیرضا قزوه از شاعران برجسته کشور با سرودن غزلی به استقبال شعر رهبر انقلاب رفته است.

■■■

قزوه این بیت از رهبر انقلاب را به عنوان تضمین شعر خود برگزیده است:

تو را است معجزه در کف زِ ساحران مهراس
عصا بیفکن و از بیم اژدها مگریز

شعر قزوه از این قرار است:

گرت هوای ولا باشد از بلا مگریز
همیشه محو بلا باش از ابتلا مگریز
چو ماه چنگ بزن بر سیاه پرده شب
از این شب، این شب لبریز ماجرا مگریز
عصای معجزه‌ات را بکوب بر سر سحر
ز ناخدا مهراس و ز بی‌خدا مگریز
چو گردباد بگرد و سماع طوفان کن
چو بیدهای پریشان ز بادها مگریز
به روز حادثه از صوفیان غازی شو
بیا و مرد قدر باش از قضا مگریز
چراغ خیمه چو خاموش گشت باز مگرد
تو آمدی که بمانی ز کربلا مگریز
بیا و جوشن بی‌پشت بر تن خود پوش
ز خدعه‌های خوارج چو مرتضی مگریز
منافقان معاند تو را نظر نزنند
از این حضور گرامی به انزوا مگریز
نفیر گاو طلایی تو را نترساند
عذاب سامریان باش، از صدا مگریز
چراغ روشن امن یجیب را بفروز
اجابت است، اجابت، تو از دعا مگریز
عزیز هموطن من، عزیز هموطنم!
از این بهشت صمیمی به ناکجا مگریز
نه اژدهاست که کرم شب است اسرائیل
بر آر دستی و از این هزارپا مگریز

■■■

■ **قسم به وعده‌ی صادق که قدس آزاد است**

محمدمهدی عبداللهی، شاعر و پژوهشگر نیز با تضمین شعر رهبر معظم انقلاب شعر جدیدی سروده است.

همیشه اهل ولا باش، از بلا مگریز
بنوش جام بلا را از ابتلا مگریز
شهید باش و شهیدانه در دل میدان
به روز واقعه‌ی سرخ از قضا مگریز
عصای معجزه بردار و در میانه نیل
بپیچ در دل طوفان از اژدها مگریز
چقدر علقمه امروز در مقابل توست؟!
علم به دوش بگیر و به انزوا مگریز
صدای العطش کودکان غزه کنون
به گوش می‌رسدای دوست، از صدا مگریز
به هوش باش امان امه را امان ندهی
میان معرکه از بیم فتنه‌ها مگریز
بخوان که لشکر شیطان سقوط خواهد کرد
مبند دل به شیاطین به ناکجا مگریز
قسم به وعده‌ی صادق که قدس آزاد است
بیا و یکدم در اثبات مدعا مگریز
نماز در وسط صحن قدس شیرین است
در اقتدای شهیدان بزن صلا مگریز
ظفر از آن خداوند حی سبحان است
ز کدخدا مهراس از خدا خدا مگریز
چه خوب گفت امینِ قُلوبِ مَنْ والاه
«به حق سپار دل خویش و از دعا مگریز»
یقین که خَیرُالعمل با ولایت عشق است
از آستانه اولاد مرتضی مگریز
فرار کن به سوی کشتی نجات حسین
به روز حادثه از سمت کربلا مگریز
به پرچمی که بر آن حک شده ست نصرالله
سوار می‌رسد از راه، بی‌هوا مگریز

■■■

■ **شب است و «وعده صادق» عجب شب قدری**

نغمه مستشار نظامی نیز مخمسی را در استقبال از سروده رهبر انقلاب که در آستانه عملیات وعده صادق بیتی از آن را خواندند، سروده است.

در امتحان محبت، از ابتلا مگریز
غریبگی مکن‌ای دل از آشنا مگریز
درین طریقت از آیین اولیا مگریز
دلا! ز معرکه‌محنت و بلا مگریز!
چو گردباد، به هم پیچ و چون صبا مگریز!
مترس از شب طوفان و از خزان مهراس
علی‌ست یار تو از بدر و نهروان مهراس
ز آستین ید بیضا نما عیان، مهراس
تو راست معجزه در کف، ز ساحران مهراس!
عصا بیفکن و از بیم اژدها مگریز!
عصا فکندی و در دل نمانده صبر و قرار-
که جلوه‌گر شود اعجاز حیدر کرار
عنایتی کن و غم از دل جهان بردار
تو موج غیرت و عزمی! ز بحر، بیم مدار!
حذر ز غرش طوفان مکن! ز جا مگریز!
شکوه طائر عرشی تو بال‌بسته مشو
مسافر سفر قاف باش و خسته مشو
ز ریسمان ولایت دمی گسسته مشو
ز سست‌عهدی ایام، دل‌شکسته مشو!
نشانه باش چو پرچم! ز بادها مگریز
نشانه باش چو پرچم، در اهتزاز شکوه
سترگ و قله‌نشین همچو بیرقی بشکوه
مباد ثانیه‌ای بر دلت رسد اندوه
چو صخره باش و مکن تکیه جز به دامن کوه!
به حق سپار دل خویش و از دعا مگریز!
شب است و وعده صادق عجب شب قدری
که وعده داده شد از جانب گرانقدری
تو در میان خبرهای خوب، در صدری
تو از تبار دلیران خیبر و بدری
چو ذوالفقار و چو حیدر بزن صلا! مگریز!
به نام نامی یزدان صلا بزن چو امیر
به نام آل نبی عشق می‌شود تکثیر
ولایت علوی گشته است عالمگیر
«به نوشخند» منافق، ز ره، کناره مگیر!
به زهرخند معاند، به انزوا مگریز
مصاف آتش و عشق است، هم‌نوردی کن
عماد و آرش و سجیل شو نبردی کن
به راه خون شهیدان شهاب‌گردی کن
چو ره به قبله امن است، پایمردی کن!
خطا مکن! ز توهم به ناکجا مگریز!
دلا تو در خوشابی، درین صدف بنشین
امید، کشتی نوح است، لاتخف، بنشین
چنان کمان به مصاف عدو به کف بنشین
چو تیر، راه هدف گیر و بر هدف بنشین!
ز کج‌روی به حذر باش و از خدا مگریز!
دلا تو آینه‌ای جلوه‌گاه رحمان باش
به بزم زنده‌دلان، روح باش و ریحان باش
چراغدار ره کاروان ایمان باش
امین خلق و امانت‌گزار یزدان باش!
به صدق کوش و خطر کن! ز مدعا مگریز!

سینما

«آپاراتچی» مجهول در ژانر

«آپاراتچی» نه مانند کمدی‌های مرسوم مبتذل است و نه قصد دارد اثری پرفروش باشد، اما بهتر بود کارگردان برای فیلم اولش کمی نبوغ به خرج می‌داد و اینگونه شاید می‌توانست از این شکل ایستا و تکراری فاصله بگیرد

■ **افشین علیار**

آپاراتچی می‌توانست با یک فیلمنامه منسجم تبدیل به یک فیلم سینمایی استاندارد شود، اما با این شرایط و به دلیل ضعف‌های ساختاری ربطی به سینما ندارد. در بهترین حالت می‌تواند یک تله‌فیلم باشد. قربانعلی طاهرفر که اولین فیلمش را ساخته، اساساً توجهی به ایجاد چارچوب درام ندارد. آنچه در آپاراتچی برای کارگردانش اهمیت دارد فقط یک قصه کلیشه‌ای است که می‌توانست فیلم کوتاه باشد که کش آمده و بی‌جهت تبدیل به فیلم سینمایی شده است. اتفاقاً اگر آپاراتچی فیلم کوتاه بود این احتمال وجود داشت که بتواند تأثیرگذاری خودش را داشته باشد، اما در شرایط فعلی قصه توان بسترسازی در قالب ژانر مورد نظر کارگردان را ندارد و نمی‌تواند پیشرفت داشته باشد، چراکه اساساً ژانر کلی اثر مجهول است.

کمیک‌هایی که در لابه‌لای فیلم وجود دارد به شدت ناکارآمد و جهان اثر را لوس کرده است، چراکه جنس طنازی‌اش کلیشه‌ای است و بازیگر نقش اولش توان چنین نقشی را ندارد. پدر جلیل هم که نقش آن را رضا ناجی بازی می‌کند، نقش‌های گذشته را تکرار کرده است، حتی عصا به دست گرفتنش ما را یاد حضور او در فیلم آواز گنجشک‌ها می‌اندازد. عشق سینما بودن جلیل هم نمی‌تواند به یک قصه جذاب تبدیل شود، چراکه تمهیدات لازم برای چنین نقشی کافی نیست. شوخی‌های فیلم به شدت منسوخ و مبتدیانه است و نمی‌تواند مخاطب را به فیلم نزدیک کند. اینکه یک جوان بیسواد فیلمسازی می‌کند و به دنبال سرمایه است تا فیلمش را بسازد و استفاده از شوخی‌های بی‌مصرفی که با یک فرد به نام نوری می‌کند که می‌توانیم آن را به خلخالی نسبت بدهیم، نمی‌تواند جذابیت، حتی حداقلی را هم به فیلم اضافه کند.

فیلمساز در تلاش است در کلیشه‌ها به دنبال خط روایی باشد، اما سروشکل فیلم از سینما فاصله گرفته و نمی‌تواند از یک تله‌فیلم فراتر برود. ضعف‌های اساسی به دلیل واقعی بودن قصه است که فیلمساز فکر کرده می‌تواند با همین واقعی بودن قصه فیلم بلند بسازد، اما قصه به شدت کم می‌آورد و حتی ورود ناصر شاپالاق به فیلم هم نمی‌تواند چیزی را تغییر بدهد، چراکه حضور هومن برق‌نورد هم به دلیل تکرار نوع بازی‌اش فیلم را در حالت ایستایی قرار می‌دهد و نابلدی ناصر در بازیگری هم کمدی ایجاد نمی‌کند، چراکه این موقعیت‌های ایجاد شده در فیلم نه بکر است و نه می‌تواند کمدی تولید کند، حتی به لحظات کمیک هم نمی‌رسد. ظاهراً کارگردان تمهیدات لازم برای ایجاد ژانر را نداشته و نمی‌دانسته که برای این فیلم چه ژانری مناسب‌تر است، به همین خاطر آپاراتچی در تعلیق مانده است. این فیلم نه می‌تواند شکلی از درام باشد و نه کمدی. کارگردان تلاش کرده فیلمش مانند کمدی‌های مرسوم اسیر ابتذال نشود که این نکته مثبتی است، اما فیلمنامه آپاراتچی خام است و نیاز بیشتری به بازنویسی داشته، از آن جهت که در بعضی از سکانس‌ها، کارگردان از مؤلفه‌های تکراری در ایجاد موقعیت‌های طنز استفاده کرده و این استفاده نابجا خط روایی اثر را با کلیشه پیوند زده است. ساخته شدن فیلمی مانند آپاراتچی در سینما چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟ این موقعیت‌های منسوخ دیگر در قالب کمدی جواب نمی‌دهد. این فیلم نه مانند کمدی‌های مرسوم مبتذل است و نه قصد دارد اثری پرفروش باشد، اما بهتر بود کارگردان برای فیلم اولش کمی ذوق و نبوغ به خرج می‌داد. اینگونه شاید آپاراتچی می‌توانست از این شکل ایستا و تکراری فاصله بگیرد.